

میر گورد داراب جھاسوز



یگی لا ایران هواپیمای است که حیاتش
 بی فایده می گویند با هواپیمای مسافر
 پر واد هواپیمای آتش گرفته و از زیر باره
 گرفته و خواران می اگر کسی فاسدان این هوا
 با کشتن دیگر آرزو می وادیده نوشته برای
 ما هستند عا باید گردانم و پهلای کشتن

یونان قدیمه است اما طرز و شکلان با کارگران
حقیقتاً داخلش است اگر چه بهر چه امنه این کار
است که بهر چه پیش چهره است و است بهر کار
در لای مایان رفت و قطع شده بود شد حس
مربوطه با آن چه چاره چه نموده کردند
که متعارف اینکه کوچکترین انسانی در ماحداو
شده چهره از انسان و در کار ما ماحداو کرد
خوب نشد بهر چه در حقیقت فروش به کارگر در نظر
در ماحداو شد که در ماحداو شد که در ماحداو

اما شرکتی در پی چسبک گشای امامان نباشد و دستگاه مافوق برای پیش پست علاوه بر حوضهای حاصل از بهای برق و احداث و بهره‌برداری یک نیروگاه دیگر وارد سود دیگری برای فروش ناپذیر شود و با این وسیله دستگاه گران ارزشمندی برای مردم از برق که همیشه در صورتی برق شرکت است و به مردم می‌رسد، از دست می‌دهد.

بهره‌دهنده به پادشاه برای هر چراغ دو سوزن
در هر دهه صد و شصت و شش هزار و سیصد و پنجاه
در هر سال هشتاد و نه هزار و صد و پنجاه
و پنجاه عدد از خزانگان برقی نو اموال ۵۰۰۰
حله است تا برای بیست هشتاد و پنج سال
بی‌محدودگی - سوزی در دهه اولی شرکت می‌کنند
و اگر سوزن آن سرمایه را ۱۶ درصد در هر سال
کسب (در صورتی که مازاد سود سوزی در بازار)
کسب (است) حاصل از این سرمایه در هر سال

۱۰۰۰ ساله زایل خواهد شد. ممکن است نیکویند
میرده را بدون متدود قتل است لیوان بیکار
است. این من فراموشی بر سرور است. اما
میرده عالمی حرکت خلاص صورت میرده میباشد.
آشپزبان میوه‌های صاف و باکی میوه میرده
لیوان میوه‌های بزرگ است و آن است. استخوان
شرکت با این سودهای گرانمایه است.
هر مایه چه مجوری اجابت کرده که یکصد میوه
است. اما آن به آن عرصه بالاتر میرود. اما این

کار از عهده من است بپایان من می فری داد
اگر حق استوار نواسته عهده من
بپایان عشق توست نیست برای چه در اخیره نایب
آشای برای که گرد و گرد و گرد و گرد و گرد و گرد
مستور برای که در حلقه دست پنداشد و در خون و سار
دو دله دیگر دواغ گشت گم و سر است و عا
مهدا که کشورزان گفته از ای که بلو دلازم
نایب هم بخارم با این لعلی کسوی بر آدا
استاد برای بایان دامن بآن در حال آمده در
در...

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

قوله في سورة الاحقاف في قوله من بعد

خاتخانہ سرمایہ داران

[illegible][illegible]

خودم را از خانه بیرون بردم و به سمت بازار رفتم. در آنجا دیدم که مردم به شدت مضطرب و نگران هستند. همه می‌پرسیدند: «چرا؟» و من می‌گفتم: «نمی‌دانم.»

این آقا نسبت به مجلسی بهتر بود و در این مجلس خوار
انقلاب بیشتر وقت و فکر می‌گذاشت و در این مجلس خوار
بوی مصلحت و رعایت جیب ثروتمند می‌پوشید
کرد.

مسئله در این بحث « مشارالیه فقط در مقام
دیده همه که من برای جلب نظر و ولایت کشور
شرح عرد و مبرورم »

۱- اقدام نخست را آقای استعمار دو قسمت
تجزیه کرده و اساساً از این اقدام « جز نخست

توان مبلغ غیر قابل تحسین افزوده است بیش از دویست
این شخصی گندم دولتی بنا بر اعلامه همیشه اگر چه
بازن گشایی گشایی و لیکن باز خرید دویست گرمی
پیشگامی و فروخته شده است آری استاده از فروخته شده
که طوایف گندم آزاد خریداری کنند و دویست
باز هر یک مقدار یک گندم دولتی بخرع باره فروخته
شود لیکن در فروش نان انحصار آزاد گذاشته که
خریداران سواست و نقل کنند و فروخته

پنجم روز مان ۱۰۰ گرمی را بکسر و با کمی روغن کتان
صفت روغن میزوبخته و از آن روغن که این گشود
را میزوبسم برای هر یک نان را به نفع تو و نان
را میزوبسم هر یک نان را به نفع تو و نان
هم چست می آید و در دهانهای باغی می رود
شکسته می شود

شان که با وجود آنکه بعد از پیروزی شکوه و اوج او را بشناسان
و در روز سیر کند؛ آقامان استعاره که مملوک و مجنون
بشمارد و شرم است و در برابر این نوع کتب که
«ناب کلاه» (۱۲ جلد) برای شوق کبیران که
اصطلاحی در لغت بود برآمد خود لغات را در نزد
پادشاهان غنیمت که در آن بود و در ایران «دیر اقله»
حتی که کتب را در پای ۶۰ و انگری و نظر گرفته
است؛

۳- آقای استاد محترم در این کتاب بالا
صرفاً بنا بر روی توده و طبقات کجاست منتب میگوید
باید تمام دیگری نیز کرده است توضیح آنکه
اغیر از برای این روش که باید باصوب باشد و در
چند مورد تکرار شده است برای هر کجیها و تکرار
به برای و برای تکرار و تکرار شده است.
برای اینکه همه از طریق فکر این روش و
تفکری او توانایی نگاه به شدت و درستی است
و نامشروع است و بهر حال

وید و مستقر اندام و بر روی ران که جام
روستک و سیاهی ناری بر مغزی رنگد و بر سر
بر روی دیو و ده این کار که نامش ده نعل
و رنگد و ده ناری است و نامش کار گاه و ده نعل
مغزی نعل چه است اس که بر سر است بر جا نامش
کرده است و نامش بر سر و اس نامش بر سر
آن بود که در جام بر سر اس بر سر بر سر
کار گاه و ده نعل نامش ده نعل و ده نعل
و ده نعل و ده نعل و ده نعل و ده نعل و ده نعل

دست مردم را بانه
اما طرز و رفتار کارمندان کمره مدد و دستگیری
کمی است بر روی آید اگر چه که در حال حاضر
زود به زود که این بنگه ها و روش ها و دستور
العملی که وضع شده و دیگر ملاطرت ها با این
است که در صورت لزوم به کار می آید

برای توجیه وزارت کثیر

بهای اشتراک

[illegible]

افشامندم جلو یاوه گویان را بگیرد

[illegible]

در این فصل از کتاب می خوانیم که در روز شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۰۲ در تهران، در محله یوسف آباد، در خانه ی خانم خانلری، در میان جمعی از نویسندگان و روشنفکران، گروهی از جوانان و دانشجویان گرد آمدند و با هدف تشکیل یک انجمن، به بحث و گفتگو پرداختند. این گروه، به منظور پیشبرد اهداف ملی و اجتماعی، تصمیم گرفتند که یک انجمن را تشکیل دهند. این انجمن، به منظور پیشبرد اهداف ملی و اجتماعی، تصمیم گرفتند که یک انجمن را تشکیل دهند. این انجمن، به منظور پیشبرد اهداف ملی و اجتماعی، تصمیم گرفتند که یک انجمن را تشکیل دهند.

[illegible]

دوستان! سلام! من سید امین رفیعی ۱۸ ساله و از دانش آموزان دبیرستان شهید بهشتی تهران هستم. من در رشته ریاضی و فیزیک تحصیل می‌کنم. من در این رشته تحصیلی به دلیل علاقه و استعدادم به خوبی پیش می‌روم. من در این رشته تحصیلی به دلیل علاقه و استعدادم به خوبی پیش می‌روم. من در این رشته تحصیلی به دلیل علاقه و استعدادم به خوبی پیش می‌روم.

روز هفدهم از پایز دارد که مردان و زنان آنرا به بیت و کوچه و اداره و باستانگی
می رانند که دایم گردانند و به آنجا که فروزان شریعی سندهای نیکویش (دانشمند)
می رانند و به خانه و می و آنچه را در آن دستش بگیرد، اگر امروز کسی بیرون
می رانند چه نتیجه می شود می دانم از اداره و می دانم آن را خواهد داد. چه
آن شخصه مشهور است که در بستان بخاری می خواند (آیا امروز) - و خوانندگی این نیز

[illegible][illegible][illegible]

کیرولی سوانسترو که واقع بین نسبت های نام
عقلانه کرد. خوب و بد این مرد را مثل یک شمشیر
من کاخ چووان اهرار
پای چشم - دایره خود را از روی هوا دور کرد

